

## ( ع ) مسأله جبر و اختیار

### سؤال

انسان آیا در جمیع اعمال خویش فاعل مختار است یا مجبور بی اختیار ؟

### جواب

این مسأله از امّهات مسائل الهیّه است و بسیار غامض است ان شاء الله روزی دیگر از بدایت مباشرت ناهار به بیان این مسأله مفصل پردازیم . حال مختصر چند کلمه بیان میگردد و آن اینست که اموری که در تحت اختیار انسان است مثل عدل و انصاف و ظلم و اعتساف ، مختصراً اعمال خیریه و افعال شرّیه ، این واضح و مشهود است که اراده انسان در این اعمال مدخلی عظیم دارد و امّا اموریست که انسان بر آن مجبور و مجبور است مثل خواب و ممات و عروض امراض و انحطاط قوی و ضرر و زیان این امور در تحت اراده انسان نیست و مسؤول از آن نه زیرا مجبور بر آنست . امّا در اعمال خیریه و افعال شرّیه مخیر است و باختیار خویش ارتکاب آن نماید . مثلاً اگر خواهد بذکر خدا مشغول گردد و اگر خواهد بیاد غیر مألوف شود ممکن است که از نار محبّه الله شمعی برافروزد و میسر است که محبّ عالم گردد و یا مبغض بنی آدم شود و یا بحبّ دنیا پردازد و یا عادل شود و یا ظالم گردد این اعمال و افعال در تحت تصرف خود انسانست لهذا مسؤول از آن . امّا مسأله دیگر در میانست و آن اینکه بشر عجز صرف

است و فقر بحت توانائی و قدرت مخصوص حضرت پروردگار است و علو و دنو بسته بمشیّت و اراده جناب کبریا چنانکه در انجیل مذکور که خداوند مانند کوزه گر قدحی عزیز بسازد و ظرفی ذلیل صنعت نماید حال ابریق ذلیل حق ندارد که اعتراض بر کوزه گر نماید که ، چرا مرا جام عزیز نساختی که از دست بدست میگردد ؟ مقصود از این عبارت این است که مقامات نفوس مختلف است آنکه در مقام ادنی از وجود مانند جماد حق ندارد که اعتراض نماید خداوند مرا چرا کمالات نباتی ندادی و همچنین نبات را حق اعتراض نه که چرا مرا از کمالات عالم حیوان محروم ساختی و همچنین حیوان را سزاوار نه که از فقدان کمالات انسانی شکایت نماید بلکه جمیع این اشیاء در رتبه خود کاملند و باید تحرّی کمالات در رتبه خویش نمایند ما دون را چنانچه گذشت حق و صلاحیت مقام و کمالات ما فوق نه بلکه باید در رتبه خویش ترقّی نماید . و همچنین سکون و حرکت انسان موقوف بتأیید حضرت یزدان است اگر مدد نرسد نه بر خیر مقتدر نه بر شرّ توانا بلکه چون مدد وجود از ربّ جود رسد توانائی بر خیر و شرّ هر دو دارد اما اگر مدد منقطع گردد بکلی عاجز ماند اینست که در کتب مقدّسه ذکر تأیید و توفیق الهیست . مثلاً این مقام مثل کشتی است کشتی را محرّک قوّه باد و قوّه بخار است و اگر این قوّت منقطع ابداً حرکت نتواند با وجود این سگان کشتی بهر طرف متمایل قوّه بخار کشتی را بآن سمت راند اگر متمایل بشرق بشرق رود و اگر متمایل بغرب بغرب رود این حرکت از کشتی نه بلکه از باد و بخار است . و همچنین جمیع حرکات و سکانات انسان مستمدّاز مدد رحمان و لکن اختیار خیر و

شرّ راجع بانسان . و همچنین پادشاه شخصی را حاکم این شهر نمود و قوّه تصرّف بخشید و طریق عدل و ظلم بموجب قانون بنمود . حال این حاکم اگر ظلم نماید هر چند بقوّت و نفوذ پادشاه مینماید ولی پادشاه از ظلم بیزار است و اگر عدل نماید نیز بنفوذ پادشاه نماید و پادشاه از عدل راضی و خورسند است . مقصود اینست که اختیار خیر و شرّ راجع بانسان و در هر صورت موقوف بمدد وجودی از پروردگار سلطنت الهی عظیم است و کلّ در ید قدرت اسیر بنده باراده خود توانائی بر امری ندارد پروردگار مقتدر و تواناست و مدد بخش جمیع کائنات این مسأله توضیح شد و مشروح گشت و السلام .